

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر محمد کریم فارغی- استراليا
۲۲ اگست ۲۰۲۰



داکتر محمد کریم فارغی

بحث در مورد عوامل عقبمانی های کشور و جامعه

۱



مشکلات کشور ما طی سالهای طولانی و از جمله صد سال گذشته صرفاً سیاسی نبوده است. اگر یک نگاه عمیقتر و تحلیلی به علت های عقب ماندگی ها و بن بست های سیاسی در این مدت داشته باشیم، خواهیم یافت که بیشترین عامل

فرهنگی (۴۰ درصد به زعم من) ، سیاسی ۳۰ درصد، اقتصادی ۲۰ درصد و عامل موقعیت جغرافیائی ۱۰ درصد بوده است.

عامل فرهنگی-اجتماعی، تعریف جامعه ما و ساختار های جمعی و انفرادی آن را ارائه می کند و آن عبارت از یک جامعه نهایت پر از تشنج، غیر قابل تعامل، ذهنی و آرمان گرا، مبتدی و تحریک پذیر، خود محور و بی پروا نسبت به واقعیت های محیطی شان است .

از نظر فردی نیز این مشخصات را در افراد جامعه ما به وضاحت یافته می توانیم .اگر مشخصات فردی انسان صد سال قبل جامعه را با امروز مقایسه کنیم، با وجود بالا بودن سطح تحصیلی و تماس های اجتماعی داخلی و خارجی افراد جامعه امروز ما، نه تنها تغییر مثبت را در آن ها نمی یابیم بلکه از بسیاری جنبه ها به طور مثال خود آگاهی و بر مبنای آن تعاملات اجتماعی و اخلاقی، مسؤولیت پذیری، دیدگاه و جهان بینی، افراد جامعه امروز به مراتب عقب مانده تر از صد سال قبل ارزیابی خواهند گردید .

علت آن چه خواهد بود؟ واضحاً بستر اجتماعی کلیشه ئی و پوسیده که بنابر خصوصیت محافظه کارانه، افراد به ظاهر تحصیل کرده جرأت انهدام و تخریب آن را ندارند و ناگزیر با وصف نا رضایتی از آن اطاعت می نمایند. یک فرد تحصیل کرده امروز جامعه ما که تا سطح ماستری و دوکتورا رسیده است وقتی در مورد خانم و خواهرش سؤال خیلی معمولی را بپرسید، تکان می خورد و حساسیت نشان می دهد. یک استاد پوهنتون که در خارج هم تحصیل نموده است و با خانم های هم دوره اش آمیزش داشته و عکس های یادگاری گرفته است، اگر دخترش را با پسری در پوهنتون ببیند که با هم صحبت و مطایبه می نمایند، ممکن از آپارتمان پائینش بیندازد

این کرکتر ها جنیتیک و خود جوش نیستند بلکه به طور غیر مستقیم پیروی از چوکات های پوسیده جامعه را انعکاس می دهد که این افراد برای توجیه آن، جامعه مریض و فاسد را استناد می کنند ولی نمی دانند که خود بنابر ترس و جبن از تغییر در خود و روش های شان، از جامعه مریض و فاسد ناآگاهانه پیروی می کنند .

درین مثال من کمتر رول مستقیم سیاست حاکم را مشاهده می کنم، رول سیاست های استعمار را خو به جایش بگذارید زیرا ما خود نخواستیم این مطابق آنچه می دانیم و به آن معتقدیم عمل کنیم .

آرزو دارم این بحث را ادامه بدهم و به ارزیابی عوامل دیگر این عقب ماندگی ها بپردازم

باقی دارد....